

«داروگ» می‌پرسد

«داروگ» می‌کوشد در این بخش با طرح سؤال درباره‌ی مسائل مختلف اجتماعی و فرهنگی جوانان و گرفتن جواب از خود آنان، به انعکاس احساسات و تمایلات و مشکلات آنان پردازد.

اولین سؤال ما این است: عشق چیست؟ در این باره اول از جوانان، بعد میان سالان و بعد از کودکان پرسیده‌ایم، تا حاصلش را در اختیار دوستان جوان مان بگذاریم. برای طرح این سؤال با شعری از دوران نوجوانی سوسن شروع کردیم:

اگه گفتی

عشق چیه؟

چه رنگیه؟

سبزه؟ سفیده؟ آبی؟

زیباترین رنگ جهان،

عشق خود بی رنگیه.

عشق صدفه، مرواریده

ستاره‌اس

افسانه‌اس

شاپرکه، سنجاقکه.

عشق به شکل امیده

به زندگی معنی می‌ده

* * *

«داروگ»: سلام، می‌توانی برایم بگویی به نظر تو عشق چیست؟
- چیزی که می‌تواند تو را خوشبخت‌ترین و یا بدبخت‌ترین آدم روی زمین کند. عاشق

شدن به معنی این است، که برای اولین بار تو خودت را و آگاهی‌ات را ترک می‌کنی و اجازه می‌دهی که کس دیگری در مرکزیت هستی تو قرار بگیرد. انسان دیگری بر فکر تو حاکم می‌شود. این حتی می‌تواند در مورد چیز دیگر و نه حتی کس دیگری باشد. اما زیباترین و اعجاب‌انگیزترین نکته‌ی عشق در همین است، که آدم نمی‌داند که چیست.

بهاران، ۲۱ ساله

«داروگ»: عشق برای تو چه مفهومی دارد؟

- عشق بازی نیست. آدم با عشق نمی‌تواند مسابقه بدهد. نمی‌تواند از آن ببرد. فقط می‌توان با آن یکی شد. کسی که مسابقه می‌دهد، همیشه بازنده است. عشق به معنی مسئولیت اشتباهات دیگران را به عهده گرفتن نیست. عشق به معنی کمک به معشوق برای بیرون آمدن از اشتباهات است. عشق به معنی درک یک دیگر و توجه به هم دیگر است. عاشق بودن به خودی خود به معنای کور بودن نیست، بلکه به این معنی است که وقتی انسان عاشق است دنیا را به چشم دیگری می‌بیند.

همه چیزهایی را که در روزمرگی فراموش کرده‌ای، مثل خواندن یک پرنده، شادی کودکانه به هنگام بازی، دشت‌های سبز، همه و همه ناگهان با عشق مرعی می‌شوند. اما آه... عشق جنبه‌های تاریک خودش را هم دارد. هیچ چیز سخت تر از قلب شکسته نیست.

بنفشه، ۲۰ ساله

«داروگ»: سلام عزیزم، می‌توانی نظرت را در مورد عشق به من بگویی؟

- درک کردن، ارزش گذاشتن و توجه کردن به دیگری، به شکلی دیگر.
م. ۱۹ ساله (پسر)

«داروگ»: سلام، عشق چیست؟

- مثل پرواز کردن. آرزوست.

شیدا، ۱۷ ساله

«داروگ»: سلام، برای تو عشق چه معنایی دارد؟

- دیوانگی و در آغوش گرفتن.

امید، ۱۷ ساله

«داروگ»: گویا همه سمت را عاشق گذاشته‌اند، می‌توانی برایم بگویی عشق چیست؟
- دیوانگی، خواستن بیش از حد و فراموش کردن درس و کار.

پیام، ۱۶ ساله

«داروگ»: عزیزم، عشق را برایم توضیح بده.
- دل می‌لرزه، گونه‌ها تپ می‌شود. به خودت توجه می‌کنی، که بهتر از همیشه باشی
برای او. می‌خندی، می‌رقصی و... بعد از مدتی، رنگت می‌پره، تو درس‌ها را عقب می‌آفتی،
بی ریخت می‌شی و...

الهام، ۱۸ ساله

«داروگ»: خانم شوخ می‌توانید بگوئید عشق چیست؟
- زمانی که قلب آدم در تنبان آدم می‌افتد.

امضا محفوظ، سن نگفتنی

«داروگ»: گلم، عشق را برایم توضیح بده.
- که دوست بداری واقعا، احساس کنی نمی‌توانی بی او زندگی کنی.

هنگامه، ۱۶ ساله

«داروگ»: آقای شاعر به نظر تو عشق چیه؟
- صاعقه، طوفان و در عین حال نسیمی ملایم که تمام روحت را نوازش می‌کند.

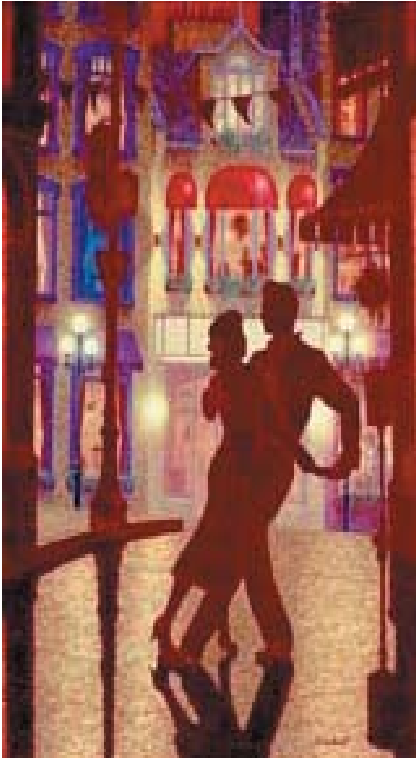
فرهنگ، ۱۸ ساله

«داروگ»: عشق چیست؟
- به نظر من، عشق از شناخت سرچشمه می‌گیرد. شناخت است، که یک رابطه را محکم
می‌کند. خود عشق چیزی غریزی است، به ناشناسی عاشق بودن، یک حس گذراست.

م، ۲۹ ساله (دختر)

«داروگ»: برای تو عشق چه حسی است؟
- عشق احساسی است زمخت و بسیار قوی، که به خاطر تحولات طبیعی و اجتماعی در
انسان، یک شکل مجرد و خیلی پیچیده پیدا کرده است. این احساس قوی همیشه با توجیحات
و تفسیرهای من درآوردی از طرف شخص، به ویژه مردان، سر بر می‌آورد.

س، ۲۵ ساله (پسر)



«داروگ»: به نظر تو عشق چیست؟
- کششی جنسی است، که به زیبایی آراسته
می‌شود. مفهوم زیبایی هم در جوامع
قدیم و جدید و در نقاط مختلف جهان
متفاوت است و بستگی به شعور انسان
و درک او رفتار اجتماعی متفاوتی را به
خود می‌گیرد.

م، ۴۲ ساله (مرد)

«داروگ»: سلام ملوسک من، تو می‌دانی
عشق چیست؟
این که از کسی خوشتر بیاید. به او
توجه کنی و مواظبش باشی. من عشق را
دوست دارم.

ونوس، ۹ ساله

«داروگ»: خوشگلک خاله، می‌دونی
عشق چیه؟
- آره، یعنی هم دیگه رو دوست داشته
باشن و لب‌های هم دیگه رو بوس کنن.
من عشق رو دوست دارم، خیلی زیاد.

کامیلیا، ۵ ساله

«داروگ»: به نظر تو عشق چیست؟
- نمی‌دونم هنوز عاشق نشده‌ام. ولی باید جالب باشه.

دلبر، ۱۲ ساله

«داروگ»: می‌دانی عشق چیست؟
- نه.

ادوین، ۶ ساله

شعری از: Mikael Wiehe شاعر، آهنگ ساز و ترانه خوان سوسیالیست سوئدی

مثل عشق

عافل دیوانه می‌شود
و دیوانه عافل
ترسو ناگهان شجاعتی ناگفتنی می‌یابد
زشت زیبا می‌شود
و زیبا زشت
درد ناگهان التیام می‌یابد.

هیچ چیز مثل عشق کمک نمی‌کند
هیچ چیز مثل عشق واژگون نمی‌کند
هیچ چیز مثل عشق دگرگون نمی‌سازد
هیچ چیز مثل عشق رهایی نمی‌بخشد
هیچ چیز نمی‌تواند ضعیف را قوی کند مثل عشق
هیچ چیز نمی‌تواند غمگین را شاد کند
هیچ چیز نمی‌تواند یک انسان را رهایی بخشد
و هیچ چیز برده نمی‌سازد انسان را
مثل عشق.

هیچ چیز مثل عشق وابستگی نمی‌آفریند
و هیچ چیز مثل عشق نمی‌سوزاند
مثل عشق.

سرخ ترین گونه را عشق ارزانی می‌دارد
هیچ چیز مثل عشق گریزان نیست
شک ایجاد می‌کند
گرما و امید
بی اراده را چنان قوی می‌کند
که هرگز تسلیم نشود
هر چند که هدف دست نیافتنی و راه پر مخاطره است
کسی را میل بازگشت نیست.

هیچ چیز نمی‌کشاند
مثل عشق.
هیچ چیز مثل عشق اصرار نمی‌ورزد
و هیچ چیز مثل عشق شوکه نمی‌کند
و هیچ چیز مثل عشق به صدا در نمی‌آورد.
عشق می‌آید
و عشق می‌رود
خیلی‌ها چیزی را می‌بازند
که بعضی به دست می‌آورند
عشق می‌بخشد و
باز پس می‌گیرد
عشق پرواز می‌کند
و دوباره باز می‌گردد.

هیچ چیز مثل عشق دیوانه نمی‌کند
هیچ چیز مثل عشق اشک نمی‌آفریند
هیچ چیز مثل عشق زخم نمی‌زند
و هیچ چیز مثل عشق تالو ندارد
هیچ چیز مثل عشق محو نمی‌کند
هیچ چیز مثل عشق کور نمی‌کند.
هیچ چیز مثل عشق بال و پر نمی‌دهد
هیچ چیز مثل عشق نمی‌درخشد.

مترجم: سوسن بهار

